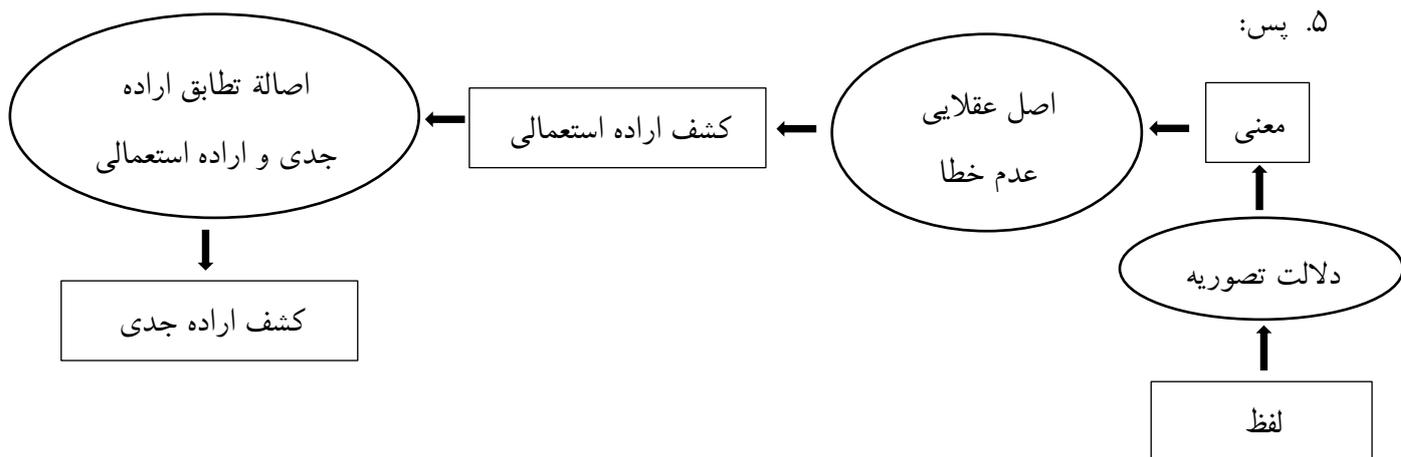


ما می‌گوییم:

۱. مرحوم خوبی چون وضع را «تعهد واضح به اینکه هرگاه خواست معنایی را تفهیم کند، از آن لفظ بهره بگیرد» معنی کرده است، دلالت اول را ناشی از وضع می‌داند
۲. در حالیکه به نظر می‌رسد، آنچه وابسته به وضع است دلالت تصویریه است و هر دو دلالت تصدیقیه، ناشی از بنای عقلاست.
۳. به عبارت دیگر وضع ایجاد رابطه بین لفظ و معنی است (یا جعل هوهویت و یا جعل علامیت) و لذا اگر این لفظ از وزیدن باد در لای درختان و یا از انسان خواب هم شنیده شود، معنای خود را به اذهان منتقل می‌کند (دلالت تصویریه)
- ولی بعد از اینکه شنونده احراز کرد که متکلم با اراده خود کلمه را استعمال کرده است، به سبب اینکه بنای عقلا خطای متکلم را نفی می‌کند، می‌فهمد که متکلم این کلمه را در معنای موضوع له استعمال کرده است (دلالت تصدیقیه مبنی بر اینکه متکلم اراده استعمالی دارد) و به سبب اینکه بنای عقلا، بر این استوار است که متکلم در مقام شوخی و تمسخر و یا امتحان نیست، می‌فهمد که متکلم معنای این کلمه را «جداً» اراده کرده است (دلالت تصدیقیه مبنی بر اینکه متکلم اراده جدی دارد)
۴. حال: وقتی کلامی صادر می‌شود، اگر معنای موضوع له (دلالت تصویریه) را نرساند، لفظ مهمل است ولی اگر معنای موضوع له را منتقل کند ولی قرینه‌ای از پیدایش دلالت تصدیقیه اول (اراده استعمالی) مانع شود، در این صورت مجاز (طبق مبنای مشهور) حاصل شده است ولی اگر اراده استعمالی کامل شود به این معنی که احراز کنیم که بنای عقلا مبنی بر اینکه «متکلم آنچه را گفته است، در معنای موضوع له استعمال کرده است و گرفتار خطا نشده است» (و می‌دانیم اراده معنای غیر موضوع له در کنار عدم نصب قرینه خطا می‌باشد) و قرینه‌ای مانع از آن نشود، در این صورت استعمال حقیقی است، ولی باز برای اینکه بخواهیم به دلالت تصدیقیه دوم (اراده جدی) دست پیدا کنیم لازم است تا به اصل عقلائی «تطابق اراده جدی و اراده استعمالی» تمسک کنیم. و اگر قرینه‌ای مانع از جریان این اصل شد، لفظ در معنای حقیقی استعمال شده است ولی ما نتوانسته‌ایم اراده جدی متکلم را احراز کنیم.





۶. حال: «غلط بودن کلام» هم به «عدم معنی برای لفظ» (عدم دلالت تصویری) اطلاق می‌شود و هم به اینکه متکلم دارای اراده استعمالی نباشد، گفته می‌شود.

۷. ولی دروغ گفتن متکلم به صورتی گفته می‌شود که یا متکلم بدون نصب قرینه از اصل عقلایی عدم خطا بهره بگیرد و یا بدون نصب قرینه از اصالة التطابق بهره‌برداری کند.

۸. اما دروغ بودن کلام به عدم تطابق با واقع است و ربطی به این اصول عقلایی ندارد و امری واقعی است.

